

ده فیلم محبوب زندگی ام در سینمای ایران و جهان - ۱۳۸۸

چاپ شده در : ماهنامه سینمایی فیلم

زمان انتشار : مهر ماه ۱۳۸۸

این نظرخواهی به رسم ده سال یک بار ماهنامه فیلم به کوشش بهزاد رحیمیان در شماره ۴۰۰ انجام شد.

*

*

توضیح نگارنده در نظرخواهی سال ۸۸: بدون سر سوزنی اغراق، دشوارترین انتخاب زندگی ام - بسیار دشوارتر و حیاتی‌تر از انتخاب های شخصی و معمول زندگی - همین انتخابی است که در بازی بسیار جدی ده فیلم محبوب عمر بر سر چندراهی صعب‌العبورش قرار می‌گیرم و می‌گیریم. حالا که دارم به این فهرست نهایی می‌رسم، حدود دو ماه است شب و روز در ذهنم با این تردید تکراری درگیرم که آیا بالاخره باید ده فیلم از ده فیلمساز مؤلف موردستایش‌ام را برگزینم و همچنان زیر سایه سنگین تئوری مؤلف بمانم؟ یا با لجاجت و تقابل با این تئوری، اصرار داشته باشم به سراغ فیلم‌هایی بروم که فارغ از کارنامه و جایگاه سازنده‌شان، به ما لذت و طراوت و شور و احساس بخشیده‌اند؟ این همه فیلم که از سینمای سه دهه اخیر دیده‌ایم و می‌بینیم و غافلگیر می‌شویم و از حکم صادره از سوی برخی پیشینیان به حیرت یا خنده می‌افتیم که می‌گویند سینما تمام شده، آیا می‌توانند جای وسوسه‌ ادای دین به بزرگانی چون فلینی و هیچکاک و آلن را بگیرند؛ که سال‌های سال سینما را برایمان معنا کرده‌اند؛ که از هر میزانش و دیالوگ و مفهوم نهان اثرشان بارها و حتی در زندگی شخصی درس گرفته‌ایم؛ که اگر بخواهیم فیلم محبوب‌مان را در کارنامه هر کدامشان بگوییم، خود به تنهایی به فهرستی دست‌کم پنج‌تایی خواهد انجامید؟! در نهایت، این فهرست(ها) تنها بر مبنای یکی از دو رویکرد «مؤلفی» یا «ذکر نام کشف‌ها» تنظیم نشده و تلفیقی از هر دوی اینهاست؛ هر چند در نگاه شخصی‌ام، چون مثلاً نیل سایمون و چارلی کافمن و گروه مارکس و باب فاس و روی آندرشون و میشائیل هانکه را مؤلف می‌دانم، عملاً نوعی فهرست مؤلفی به شمار می‌رود! چیزی که هست، مطمئنم به این بلاهت دچار نشده‌ام که در هیچ موردی «حسابگری» کنم و به قصد ایجاد این یا آن واکنش در هر بیننده

این فهرست، از قصد متفاوت‌نمایی گرفته تا دهن‌کجی و سایر انگیزه‌های حاشیه‌ای متأسفانه رایج، نامی را حذف یا ذکر کنم. در نام بردن از آنها که دوست‌شان داریم، آدمی نمی‌تواند دروغ بگوید. بدیهی است خود را محدود به انتخاب یک فیلم از هر فیلمساز - یا هر نویسنده - مؤلف کرده‌ام و باز بدیهی است که همه این توضیحات فقط در خصوص فهرست محبوب‌های سینمای دنیا مصداق دارد.

سینمای ایران (به ترتیب سال ساخت)

خشت و آینه (ابراهیم گلستان، ۱۳۴۴)، مرگ یزدگرد (بهرام بیضایی، ۱۳۶۰)، دونه... (امیر نادری، ۱۳۶۳)، باشو غریبه کوچک (بیضایی، ۱۳۶۴)، اجاره‌نشین‌ها (داریوش مهرجویی، ۱۳۶۵)، ناخدا خورشید (ناصر تقوایی، ۱۳۶۵)، شاید وقتی دیگر (بیضایی، ۱۳۶۶)، دندان مار (مسعود کیمیایی، ۱۳۶۷)، شوکران (بهروز افخمی، ۱۳۷۸)، درباره‌الی... (اصغر فرهادی، ۱۳۸۷).

و بیست فیلم بعد: مغول‌ها (پرویز کیمیای، ۱۳۵۲)، اون شب که بارون اومد (کامران شیردل، ۱۳۵۳)، طبیعت بی‌جان (سهراب شهیدثالث، ۱۳۵۴)، کندو (فریدون گله، ۱۳۵۴)، گوزن‌ها (کیمیایی، ۱۳۵۴)، گزارش (عباس کیارستمی، ۱۳۵۷)، بن‌بست (پرویز صیاد، ۱۳۵۸)، چریکه تارا (بیضایی، ۱۳۵۸)، دایره مینا (مهرجویی، ۱۳۵۸)، حاجی واشنگتن (علی حاتمی، ۱۳۶۰)، دستفروش (محسن مخملباف، ۱۳۶۵)، شب (کژدم کیانوش عیاری، ۱۳۶۵)، سفر به جزایه (رسول ملاقلی‌پور، ۱۳۷۵)، درخت گلابی (مهرجویی، ۱۳۷۶)، باد ما را خواهد برد (کیارستمی، ۱۳۷۸)، دختردایی گمشده (مهرجویی، ۱۳۷۸)، شب یلدا (کیومرث پوراحمد، ۱۳۷۹)، کاغذ بی‌خط (تقوایی، ۱۳۸۰)، گاوخونی (افخمی، ۱۳۸۲)، بوتیک (حمید نعمت‌الله، ۱۳۸۲)، بیست انگشت (مانیا اکبری، ۱۳۸۴).

و: دای جان ناپلئون (ناصر تقوایی، ۱۳۵۴) که با دیدارش، هربار، رکورد خندیدن ام می شکند.

سینمای جهان (به ترتیب سال ساخت)

عشق در بعدازظهر (بیلی وایلد، ۱۹۵۷)، سرگیجه (آلفرد هیچکاک، ۱۹۵۸) [و: پنجره عقبی (هیچکاک، ۱۹۵۴)]، نشانی از شر (اورسن ولز، ۱۹۵۸)، هشت و نیم (فدریکو فلینی، ۱۹۶۳)، پرسونا (اینگمار برگمان، ۱۹۶۶)، بل دوژور (لوئیس بونوئل، ۱۹۶۷)، بچه رزمی (رومن پولانسکی، ۱۹۶۸)، آنی هال (وودی آلن، ۱۹۷۷) [و: زلیگ (آلن، ۱۹۸۳)]، دختر خداحافظی (هربرت راس / مؤلف: نیل سایمون، ۱۹۷۷)، آفتاب ابدی ذهن بی‌آلایش (میشل گوندری / مؤلف: چارلی کافمن، ۲۰۰۴).

و بیست فیلم دیگر که هر یک به راحتی می‌توانست جایگزین هر فیلم فهرست بالا شود: مراکش (جوزف فون اشتربنبرگ، ۱۹۳۰)، روزی در مسابقات اسبدوانی (سام وود / مؤلف: برادران مارکس، ۱۹۳۷)، بودن یا نبودن (ارنست لوبیچ، ۱۹۴۲)، نامه زنی ناشناس (ماکس افولس، ۱۹۴۸)، راشومون (آکیرا کوروساوا، ۱۹۵۰)، اوگتسو مونوگاتاری (کنجی میزوگوچی، ۱۹۵۴)، معجزه‌گر (آرتور پن، ۱۹۶۲)، چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد؟ (مایک نیکولز، ۱۹۶۶)، مردی برای تمام فصول (فرد زینه‌مان، ۱۹۶۶)، آگراندیسمان (میکل آنجلو آنتونیونی، ۱۹۶۷)، پدرخوانده ۲ (فرانسیس فورد کوپولا، ۱۹۷۴)، لنی (باب فاس، ۱۹۷۴)، مردی که زنان را دوست داشت (فرانسوا تروفو، ۱۹۷۷)، ایثار (آندری تارکوفسکی، ۱۹۸۶)، نردبان جیکوب/پل صراط (آدریان لین، ۱۹۹۰)، پالپ فیکشن/قصه‌های عامه‌پسند (کوئنتین تاراتینو، ۱۹۹۴)، در آستانه عاشقی (وونگ

کار-وای، ۱۹۹۹)، آوازهایی از طبقه دوم (روی آندرشون، ۲۰۰۰)، ۲۱ گرم (آله‌خاندرو گونزالس ایناریتو، ۲۰۰۳)، پنهان (میشائیل هانکه، ۲۰۰۵).

و: رازها و دروغ‌ها (مایک لی، ۱۹۹۶) که با دیدارش، هربار، رکورد گریستن‌ام می‌شکند.